

تحلیل وضع موجود خانواده در ایران

کمیته زنان و جوانان

چکیده

خانواده، صرف‌نظر از تعاریف گوناگونی که برای آن شده است، با پیوند زناشویی بین زن و مرد آغاز می‌شود. سبب اصلی برای این پیوند، میل و کشش درونی انسان از جنبه غرایز و عواطف و انگیزه بقای نسل به حکم عقل و علاقه به استكمال معنوی در سایه زوجیت از جنبه فطرت الهی انسان است. این جهات متنوع موجب شده تا جنبه‌های دینی و اخلاقی، حقوقی و عاطفی درباره این پیوند در هم آمیزند و علوم جدید نیز بطور مستقل یا میان رشته‌ای به بحث درباره آن پردازند. واقعیت آن است که خانواده باید کانون سیاست‌گذاری در عرصه‌های فرهنگ و هنر، آموزش، اقتصاد و امور زیربنایی، قرار گیرد.

واژگان کلیدی

خانواده، پیوند زناشویی، اقتصاد، سیاست‌گذاری

مقدمه

خانواده، نهادی طبیعی است که از فرط بداهت، درست دیده نمی‌شود. مجموعه آموزه‌های الهی و خطابه‌های نبوی و ولایی و تبیین و تفسیر شریعت توسط عالمان متأله تا به زبان نظامات تقنینی، فرهنگی، اقتصادی و ... ترجمه نشود و همه از اهمیت و قداست و اصالت خانواده سخن بگویند و در مقام برنامه‌ریزی‌های توسعه- آن کار دیگر کنند- به سان کتاب آسمانی که به آن عمل نشده خواهند بود.

خانواده، به عنوان یک نهاد، از وجوه مختلف قابل مطالعه است:

مبانی نظری و رویکرد به خانواده و تشکیل آن: رویکرد قرآن و سنت و بزرگان فکری و هم‌چنین بررسی وضعیت خانواده در فرهنگ غرب در این بخش مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

مطالعه روندی از مرحله شکل‌گیری تا استمرار:

موضوعاتی نظیر آمادگی برای تشکیل خانواده (بلوغ، عقل و رشد)، همسریابی، کفویت، نیازهای اقتصادی، روابط و مناسبات خویشاوندی، تولد فرزندان، نیازهای متقابل و بسیاری عناوین دیگر به صورت روندی و کارکردی در این بخش مورد بحث قرار می‌گیرد.

بررسی نسبت محیط بیرونی با خانواده:

نهادهای اجتماعی و قوای سه‌گانه نسبت به خانواده دارای نقش‌های فراوان و متفاوتی هستند. تعیین این نسبت و سپردن مسئولیت‌ها و نقش‌ها باید مورد بررسی قرار گیرد.

تحلیل وضعیت خانواده در ایران:

تحلیل وضعیت خانواده، با استفاده از اطلاعات و آمار و شاخص‌های مربوط، برای تشخیص چالش‌های کنونی خانواده ضروری است.

۱- مبانی نظری

خانواده، کوچک‌ترین نهاد اجتماعی است که با اراده یک زن و مرد شکل می‌یابد و با پیوندهای خانوادگی و تولد فرزندان بزرگتر می‌شود و رفته‌رفته فرهنگ و ارتباطاتی را پایه‌گذاری می‌کند که منجر به پدید آمدن جوامع روستایی و شهری می‌گردد. از این جهت خانواده نهادی حساس است چون نقشی حیاتی برای رشد و پیشرفت و اجتماعی شدن نوع انسان ایفا می‌کند.

در این بین، خانواده یک نظام صرفاً درون‌گرا نیست، بلکه با همه نظام‌های بیرون از خود در ارتباط است و در تأثیر و تأثر دائمی با آنها قرار دارد.

در قرآن و سنت به خانواده توجه جدی شده و در عصر ما نیز عالمان دینی تلاش کرده‌اند این آموزه‌های دینی را به صور گوناگون بیان کنند. هم‌چنین در فرهنگ غرب نیز رویکردی متفاوت به موضوع خانواده شده است که به اختصار به هریک از آنها می‌پردازیم:

(۱-۱) قرآن

قرآن، بنیان هستی را بر پایه زوجیت دانسته (و خلقناکم ازواجاً) و استمرار حیات بشر و پدید آمدن جوامع را به یک زن و مرد نسبت می‌دهد و می‌فرماید:

یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا^۱...

ای مردم! ما شما را از یک مرد و یک زن آفریده‌ایم و شما را به هیأت اقوام و قبایلی در آورده‌ایم تا با یکدیگر انس و آشنایی یابید.

حضرت باری تعالی سپس مبنای زوجیت را وحدت اعلام کرده (و هو الذی خلقکم من نفس واحده و جعل منها زوجها لیسکن الیها^۲) و اخلاق و آرامش را ثمره شیرین پیمان زناشویی می‌داند.

در سوره مبارکه روم می‌فرماید:

و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها و جعل بینکم موده و رحمه

و خداوند برای شما از نوع خودتان، همسرانی آفرید که با آنان آرام گیرید، و در میان شما دوستی و مهربانی افکند.

از نظر قرآن، تشکیل خانواده، امری فطری و حرکت در جهت خواسته الهی است و از این منظر، ازدواج و خانواده، مقدس و محترم است و ترک آن سرزنش شده است.

۱- حجرات/۱۳

۲- اعراف/۱۸۹

قرآن می‌فرماید: انت لباس لهم، هن لباس لکم^۱

این عبارت بیانگر روابط زن و مرد در خانواده است. محققین معانی متعددی برای این عبارت ذکر کرده‌اند. از آن جمله و مهم‌ترین آنها عبارتند از:

زن و مرد مکمل یکدیگرند. وجود یکی بدون دیگری نقص است.

زن و مرد عیب‌پوش یکدیگرند.

رابطه زن و مرد یک رابطه دیگر خواهی و نفی خودخواهی‌هاست.

خانواده، حجابی در مقابل نامحرم و دیگران است.

محور رابطه زن و مرد، اخلاقی است و سیر الی الله با محاسبه و مراقبه و سفارش به نیکی‌ها در سایه زوجیت محقق می‌شود.

این برداشت‌ها، نشانگر عمق بینش اسلامی درباره خانواده است که در مباحث بعدی راهگشا خواهد بود.

(۱-۲) روایات

در باب نکاح روایات بسیاری وارد شده است که همگی نشان دهنده اهمیت ازدواج و تشکیل خانواده و مبعوض بودن ترک ازدواج است.

از آن جمله‌اند:

ما بنی فی الاسلام بناء احب الی الله عزوجل ، و اعز من التزویج^۲

هیچ بنایی در اسلام دوست داشتنی‌تر و عزیزتر از ازدواج نزد خداوند عزوجل نیست.

شرارکم عزابکم، رکعتان من متأهل خیر من سبعین رکعه من غیر متأهل^۳

۱- رسول اکرم (ص) / بحار الانوار/ ج ۱۰۳ / ص ۲۲۲

۲- رسول اکرم (ص) / کنز

بدترین شما، آنانی هستند که ازدواج نمی‌کنند، دو رکعت نماز از متأهل بهتر از هفتاد رکعت نماز از مجرد است.

هم‌چنین قدم گذاشتن برای ازدواج جوانان توصیه شده و این نشان‌دهنده اهمیت ویژه تشکیل خانواده در اسلام است:

من زوج عزبا کان ممن ينظر الله اليه يوم القيامه

کسی که مجردی را به زوجیت درآورد از جمله کسانی است که روز قیامت مورد عنایت حضرت حق قرار می‌گیرد.

(۱-۳) قانون اساسی

در مقدمه قانون اساسی آمده است:

خانواده واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است و توافق عقیدتی و آرمانی در تشکیل خانواده که زمینه‌ساز اصلی حرکت تکاملی و رشد یابنده انسان است اصل اساسی بوده و فراهم کردن امکانات جهت نیل به این مقصود از وظایف حکومت اسلامی است.

از این عبارت استخراج می‌شود:

۱- خانواده در جمهوری اسلامی ایران، بنیادی‌ترین واحد اجتماعی است.

۲- خانواده کانون اصلی رشد و تعالی انسان است.

۳- فراهم کردن امکانات برای ایفای نقش خانواده از وظایف حکومت اسلامی است.

در اصل دهم نیز همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌ها را برای آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی می‌شمرد:

"از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد."

(۴-۱) رهبران و بزرگان فکری

رهبران و بزرگان فکری، از زوایای گوناگون به موضوع خانواده پرداخته‌اند. امام خمینی (ره) خانواده را کانون علم و اخلاق و تربیت می‌داند:

"خانه مطلوب مسلمان، خانه تربیت است. خانه مسلمان خانه علم و اخلاق است."

ایشان آگاهی‌ها و مهارت‌های لازم برای تشکیل خانواده را ضروری می‌دانند و می‌فرمایند:

"مرد و زن برای ازدواج و تشکیل خانواده باید عالم به تعلیم و تربیت و قوانین و آداب اسلامی بوده و آنها را اجرا نمایند."

رهبر معظم انقلاب خانواده را کلمه طیبه می‌داند و با الهام از آیه ۱۲ سوره مبارکه روم می‌فرماید:

"مرد برای یافتن آرامش، به زن در محیط خانواده احتیاج دارد؛ زن هم برای یافتن آرامش به مرد در محیط خانواده احتیاج دارد."

این تعبیر، در مقابل کسانی است که آرامش در کنار همسر را یکطرفه تفسیر می‌کنند حال آن‌که از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، آرامش، اطمینان، امنیت و مودت و رحمت در زندگی زناشویی دوطرفه است.

ایشان آنگاه می‌فرمایند:

"خانواده در اسلام یعنی محل سکونت دو انسان. محل آرامش روانی دو انسان. محل انس دو انسان با یکدیگر. محل تکامل یک نفر به وسیله نفر دیگر. آن‌جایی که انسان در آن صفا می‌یابد، راحتی روانی می‌یابد، این محیط خانواده است."

علامه طباطبایی (ره) نیز می‌فرماید:

"اسلام، ازدواج و تشکیل خانواده را عامل اصلی پیدایش و بقای جامعه بشری تشخیص می‌دهد."

همچنین استاد شهید مطهری (ره) درباره خانواده با طرح مباحث گسترده می‌نویسد: "نه تنها ازدواج مقدس است، بلکه کانون خانوادگی مقدس است." و ادامه می‌دهد:

"اسلام زندگی خانوادگی را یک اجتماع طبیعی می‌داند و برای این اجتماع طبیعی یک مکانیسم مخصوص تشخیص داده است و رعایت آن مکانیسم را لازم و غیر قابل تخلف دانسته است."

ایشان عامل تشکیل خانواده را عامل اخلاقی می‌داند و سپس به موضوعی عمیق اشاره می‌کند:

"کانون خانوادگی و فلسفه خانوادگی و روح خانوادگی عبارت است از روح مافوق‌غریزه جنسی که میان دو نفر پیدا می‌شود؛ یعنی شخصیت یکدیگر را دوست دارند و تا سنین پیری که دیگر غریزه جنسی به کلی ضعیف یا نابود می‌شود، علقه خانوادگی و محبت میانشان هست و روز به روز هم شدیدتر می‌شود."

از اینجا به بعد استاد مطهری (ره) به عامل اخلاقی در خانواده می‌پردازد و در عباراتی این‌طور می‌آورند.

ازدواج صرفاً برای اطفاء غریزه جنسی نیست، مسأله وحدت و صمیمیتی است که باید پایدار بماند.

در نظام اجتماع، قانون اساس است و در اجتماع خانوادگی عواطف.

علقه خانوادگی علقه خاصی است براساس عواطف و وحدت و یگانگی و صمیمیت، برخلاف علقه اجتماعی که اساس آن بیگانگی و عدالت است.

مشکلات خانواده و زندگی خانوادگی را فقط محبت می‌تواند حل کند نه عدالت و قانون

حضرت آیت الله جوادی آملی نیز عبارات متعددی در این باب دارند که مشابهت زیادی با نظرات استاد مطهری دارد. ایشان می‌فرماید:

خانواده، براساس محبت و عقلانیت اداره می‌شود.

خانواده، با اخلاق و عشق اداره می‌شود و نه با حقوق و وظایف.

از بیانات رهبران و بزرگان فکری که همه آنها از یک سنخ اند برداشت می‌شود: اولاً خانواده مقدس است. ثانیاً عامل اصلی تعیین‌کننده در تشکیل و اداره خانواده، محبت و عقلانیت می‌باشد.

اما آنچه فهم ما درباره خانواده را از منظر جهان‌بینی اسلامی عمیق‌تر می‌سازد عباراتی است

که در آنها شهید مطهری (ره) به لایه درونی تر ازدواج و خانواده اشاره می‌کنند: به عقیده ما اساس و ماهیت زندگی خانوادگی شرکت و مالکیت نیست، وحدت است. زندگی خانوادگی اساسش از بین رفتن من و تو و ایجاد یگانگی است. ازدواج، شکستن حصار خودی است.

این عبارات تکلیف انسان در قبال مسیر الی الله را در سایه زوجیت روشن می‌سازد و فرسنگ‌ها با مباحثی که خانواده را در تقسیم مالکیت و چارچوب‌ها و قراردادهای محدود می‌کند فاصله دارد.

(۵-۱) فرهنگ غرب

ازدواج، در آیین مسیحیت پس از حضرت مسیح (ع) یک تنزل از مقام تقرّب محسوب می‌شود و راهبان مسیحی به همین دلیل از ازدواج منع می‌شوند. گرچه این به معنای نفی «تشکیل خانواده» در غرب نیست لکن به آن صورت که در اسلام، ازدواج، مسیر قرب الی الله معرفی شده، نمی‌باشد.

نظامات حقوقی خانواده در غرب، به گونه‌ای است که علقه خانوادگی در حصار تنگ «قرارداد اجتماعی» قرار می‌گیرد و جدا شدن زوجین از یکدیگر یک امر عادی محسوب می‌گردد. گرچه در این باره، ممنوعیت طلاق نزد کاتولیک‌ها یک استثنای مذهبی است که به نوبه خود مشکلات دیگری به وجود آورده است، حال آن‌که اسلام، که طلاق را مذموم دانسته در مواردی همین طلاق مذموم را واجب شمرده است.

اخیراً نیز برخی کشورها نظیر انگلستان، تعریف ازدواج را تغییر داده‌اند که البته به دلیل سنت‌ها و ارزش‌های دینی هنوز اکثریت، در برابر آن مقاومت می‌کنند. باید توجه داشت بسیاری معتقدند این همجنس‌گرایی زاییده نگاه فمینیستی به موضوع رابطه زن و مرد و خانواده می‌باشد.

آن‌چه مسلم است آن‌که، ازدواج آن‌چنان که در اسلام مقدّس است در غرب جنبه تأکیدی و تقدّسی ندارد و طلاق نیز نظیر آن‌چه در اسلام قبیح است، اصلاً مذموم نمی‌باشد.

به رسمیت شناخته شدن زندگی مشترک هم‌خانگی (بدون ازدواج)، بی‌بند و باری جنسی، افزایش سن ازدواج بدون آن‌که توصیه به ازدواج یک فرهنگ پذیرفته شده باشد و مواردی

از این قبیل، حداقل نشان از عدم تأکید جدی بر موضوع ازدواج و تشکیل خانواده در غرب دارد. البته جامعه‌شناسان به موضوع خانواده خصوصاً از جنبه یک نهاد اجتماعی و کارکردهای آن توجه کرده و مطالب قابل استفاده‌ای در این زمینه به جامعه بشری عرضه کرده‌اند که مبدأ بسیاری از تصمیمات به نفع خانواده شده است.

۲- خانواده، از مرحله شکل‌گیری تا استمرار

(۲-۱) پیش از ازدواج

فاصله بلوغ جنسی تا سن رشد را می‌توان دوره آمادگی برای ازدواج دانست. این دوره در دهه‌های گذشته کوتاهتر و شکل‌گیری ساده‌تری داشته است. به تدریج که زندگی شهرنشینی گسترش یافت و عوامل تأثیرگذار بر این دوره تنوع پیدا کرد، با دوره‌ای طولانی‌تر و پیچیده‌تر روبرو شده‌ایم.

در گذشته، آگاهی‌ها و مهارت‌های موردنیاز برای ازدواج و اداره زندگی ساده‌تر و متفاوت از وضعیت کنونی بود. این آگاهی‌ها و مهارت‌ها به تدریج در خانواده گسترده به نسل بعد منتقل می‌شد. در دوره جدید این نیازها بسیار متنوع شده و انتظار انتقال آن از خانواده به فرزندان دور از واقعیت است.

فهرستی از مهمترین نیازها را می‌توان به این ترتیب ارائه کرد:

- احکام بلوغ
- آگاهی‌های علمی دوره بلوغ
- آگاهی‌ها و مهارت‌های بهداشت جنسی
- آگاهی‌ها و مهارت‌های موردنیاز درباره جنس مخالف
- آگاهی‌ها و پیشگیری‌های لازم درباره مسائل روحی و روانی خاص این دوره
- مهارت‌های زندگی در خانواده
- آگاهی‌های لازم درباره نحوه برخورد متناسب با کرامت انسانی، ترسیم آینده روشن در تشکیل خانواده و تقدس ازدواج و خانواده

- کیفیت و مهارت آشنایی با جنس مخالف برای ازدواج
- مهارت‌های جلب رضایت همسر و افزایش علقه زناشویی
- اصول و آموزه‌های دینی درباره زندگی زناشویی و خانواده
- وظایف شرعی، حقوقی، اخلاقی و عرفی زوجین
- اخلاق زناشویی

در این بین، موضوعی که در حوزه قوانین، درباره شرایط ازدواج بیش از گذشته شایسته توجه است، شرط رشد برای طرفین می‌باشد.

در گذشته سه عنوان بالغ و عاقل و رشید برای پسران و بالغه و عاقله و رشیده برای دختران شروط احراز صلاحیت ازدواج ذکر می‌شده است. بلوغ در حوزه قوانین جای خود را باز کرده گرچه همچنان درباره سن بلوغ محل بحث وجود دارد.

درباره عقل نیز به حداقل تشخیص عقل اکتفا می‌شود حال آنکه تعریف عقل و نیاز به استفاده از عقل در شرایط کنونی بسیار گسترده تر از گذشته است و باید از علوم جدید برای تعیین حداقل‌های مورد نیاز استفاده نمود.

لکن رشد مفهومی است که متروک مانده و آن را گاه با بلوغ و گاهی با عقل مترادف گرفته‌اند در حالی که حق مطلب این نیست. (در قوانین، به "رشد" اشاره شده است، لکن عملاً آن‌چنان که شایسته است مورد عنایت قرار نمی‌گیرد.)

شهید مطهری (ره) درباره رشد در تألیفات متعددی قلم زده اند و آورده‌اند :

" کلمه رشد در عربی به معنای نمو نیست که در فارسی استعمال می‌شود بلکه همان معنایی است که در فقه می‌گویند عاقل بالغ رشید. رشد یعنی اینکه انسان در یک ناحیه از نواحی زندگی مثلاً در امر ازدواج آنچنان حدی از فکر و عقل را داشته باشد که مصالح خود را در انتخاب همسر و در اداره زندگی خانوادگی درک کند. معنی رشد، درک ارزشها و سرمایه‌ها و طرز استفاده و بهره برداری از آنهاست. رشد یعنی قدرت مدیریت. رشد یعنی اینکه انسان شایستگی و لیاقت اداره و نگهداری و بهره برداری یکی از سرمایه‌ها و امکانات مادی و یا معنوی که به او سپرده می‌شود داشته باشد. رشد مربوط به اندام نیست. یک نوع کمال روحی است. مثلاً در مورد ازدواج، پسری که می‌خواهد ازدواج کند، باید معنی و هدف و ارزش

نتایج ازدواج را درک کند و قدرت تشخیص و انتخاب و اراده داشته باشد، به صرف تلقین این و آن، شخصی را به عنوان همسر انتخاب نکرده باشد، هم چنانکه دختر نیز برای انتخاب همسر باید رشد داشته باشد. " ۱

از مطالب فوق، می‌توان اینگونه نتیجه‌گیری کرد که باید شرایط رشد از آغاز دوره بلوغ به بعد در خانواده، مدرسه، رسانه، نهادهای دینی و ... فراهم شود تا نسلی آماده ازدواج گردد که بتواند منتقل‌کننده فرهنگ و هویت اسلامی به نسل‌های بعد در کانون خانواده باشد. به همین خاطر، تشخیص و تبیین رشد در قانون باید مورد عنایت قرار گیرد و به شروط احراز صلاحیت ازدواج افزوده گردد.

(۲-۲) شکل‌گیری (تشکیل خانواده)

با گسترش جوامع شهری و تغییر الگوی ارتباطات و مناسبات انسانی همراه با افزایش سطح تحصیلات و آگاهی‌های عمومی و دسترسی آسان به منابع اطلاعاتی و همچنین پیچیده‌تر شدن روابط زندگی، جوانان نیازمند مهارت افزون بر گذشته برای ازدواج و پایداری زندگی شده‌اند. اختلالات زندگی زناشویی و افزایش میزان طلاق عاطفی و طلاق قانونی، نوعی واهمه برای ازدواج در جوانان ایجاد می‌کند که می‌تواند در آینده منجر به کاهش تمایل به ازدواج شود.

از این رو می‌توان مسایل اصلی در این مرحله را به قرار ذیل شناسایی نمود:

الف- طراحی فرصت‌هایی برای انتخاب همسر و تشخیص صلاحیت‌های کفویت در همسر آینده.

آمارها نشان می‌دهند ۸۵ درصد علل مراجعه برای طلاق، «عدم تفاهم و سازش» بوده است. این امر گویای آن است که گام‌های لازم برای شکل‌گیری ازدواج در تشخیص صلاحیت طرفین به خوبی برداشته نشده است.

در این بین، مدیریت و هدایت صحیح روابط و آشنایی‌های قبل از ازدواج با مراقبت‌های لازم از سوی نهادهای فرهنگی و با نظارت خانواده، می‌تواند راهگشا باشد.

باید توجه داشت در حال حاضر همچنان ۶۲ درصد ازدواج‌ها به صورت سنتی شکل گرفته است و افزایش آمار طلاق می‌تواند رابطه با دشواری تشخیص صلاحیت توسط خانواده در نسبت باشد.

ب- فرصت و اختیار برای انتخاب مطلوب در امر ازدواج

در نظرسنجی‌ها، ۱۳/۵ درصد زنان اعلام کرده‌اند ازدواج بدون رضایت آنها بوده است. این موضوع، نشان می‌دهد همچنان عامل «رضایت» با چالش روبه‌روست.

فرهنگ‌سازی ازدواج و احکام شرعی در این بین، می‌تواند یکی از مهم‌ترین عوامل اصلاح وضعیت موجود باشد.

ج- آگاهی، آمادگی و مهارت برای زندگی خانوادگی

تحلیل علل درخواست طلاق (عدم تفاهم و سازش ۵۸ درصد، مشکلات جنسی در زوجین میانسال ۲۳/۸ درصد و ...) نشانگر آن است که جامعه جوان ما، مهیای زندگی خانوادگی نشده و از مهارت کافی برای آن برخوردار نیست.

مدارس، رسانه‌ها، منابع مطالعاتی مفید و ... در این زمینه به خانواده کمک نمی‌کنند و خانواده نیز به تنهایی از عهده این نقش مهم برنمی‌آید. آنچه در مرحله قبل درباره آگاهی‌ها و مهارت‌های مورد نیاز فهرست شد باید در این مرحله استمرار و عمق یابد.

پایدارسازی خانواده نوپا

در زندگی مشترک، مرحله دشواری وجود دارد که پایداری آینده، محصول چگونگی تنظیم روابط درون خانواده در این مرحله است که معمولاً در حدود سه تا پنج سال پس از ازدواج به طول می‌انجامد.

آمارها نشان می‌دهند ۶۵ درصد درخواست طلاق در سه سال اول زندگی بوده است و این امر مراقبت ویژه از خانواده در این مرحله را ایجاب می‌کند.

چالش‌های عمده در عدم پایداری خانواده‌های نوپا عبارتند از:

۱- رفتارهای ناسازگار با زندگی مشترک از سوی مردان جوان.

بیش از ۹۰ درصد زنان جوان، علت مراجعه خود به دادگاه‌های خانواده را عدم تفاهم با شوهر، خشونت خانگی و اعتیاد همسران اعلام کرده‌اند.

باید توجه داشت که این آمارها نشان می‌دهد، پسران تصور کاملی از وظایف شرعی و قانونی خود پس از ازدواج ندارند. بسیاری از مردان جوان، همچنان به ارتباطات با دوستان خود ادامه

می‌دهند و وقت کافی برای همسران خود اختصاص نمی‌دهند. اینها به دلیل عدم آماده‌سازی آنها برای ازدواج در مراحل پیشین است.

آمارهایی نظیر مشکلات جنسی با فراوانی بیش از ۱۰ درصد (اظهارشده) در اختلافات ازدواج‌های جوان گویای واقعیات پیچیده این مرحله می‌باشد.

۲- کمبود مهارت‌های لازم نزد طرفین.

۳- دخالت‌های غیرمسئولانه اطرافیان.

۴- عدم تنظیم مطالبات و توقعات اقتصادی، اخلاقی، جسمی و جنسی طرفین.

۵- فقدان نظامات مشاوره‌ای و حمایتی از خانواده‌های نوپا.

۶- نارسایی‌های اقتصادی و تحمیل آن به فضای روابط خانوادگی.

(۲-۴) استمرار خانواده دارای فرزند

با تولد و رشد فرزند یا فرزندان و تثبیت خانواده، مسایل جدیدی پیش‌روی خانواده قرار می‌گیرد که عمده‌ترین آنها عبارتند از:

۱- تمایلات زنان به فعالیت در عرصه‌های اجتماعی - اقتصادی و علمی.

. براساس نظرسنجی‌ها، ۶۵ درصد پاسخ‌گویان اعلام کرده‌اند دخترانی که زود ازدواج می‌کنند، فرصت تحصیل و اشتغال را از دست می‌دهند.

نیاز به تحصیل، تمایل به استقلال اقتصادی و موضوع مالکیت اموال به دست آمده در خلال زندگی از مهم‌ترین چالش‌های این مرحله می‌باشد و حجم وسیعی از اختلافات خانوادگی در این مرحله را تشکیل می‌دهند.

۲- گرایش به چندهمسری در برخی از مردان

تمایلات مردان به ازدواج‌های موقت و مجدد، در یکی از نابسامانی‌های این مرحله است. جمهوری اسلامی ایران با قرار دادن شرط «رضایت» برای ازدواج‌های رسمی، موضوع تعدد زوجات رسمی را محدود ساخته لکن «ازدواج موقت» و پنهانی یکی از چالش‌های خانواده‌ها و زنان میانسال می‌باشد.

۳- ضعف و نقص کارکرد مدرسه و نیاز به صرف زمان و هزینه در زمینه‌های تربیتی و آموزشی از سوی خانواده.

۴- دغدغه تأمین آینده فرزندان و اشتغال، ازدواج و مسکن آنان و تأثیر آن در خودفراموشی. علاوه بر موارد فوق، کمبود قوانین لازم حقوقی و حمایتی و عدم وجود ضمانت‌های لازم برای قوانین موجود یکی دیگر از چالش‌های این مرحله می‌باشد.

(۲-۵) خانواده درکهنسالی

در مرحله کهنسالی موضوعاتی نظیر بهداشت و سلامت، تأمین اجتماعی و جلب محبت فرزندان حائز اهمیت است.

(۲-۶) خانواده‌های با سرپرستی زنان

خانواده‌هایی که به علت فوت یا طلاق، زن سرپرست خانواده می‌باشد با مشکلات، آسیب‌ها و چالش‌های متنوعی روبه‌رو هستند. موضوعاتی نظیر اشتغال و تأمین اجتماعی از مهم‌ترین این چالش‌ها هستند که در عرصه‌های بعدی به آنها پرداخته خواهد شد. باید توجه داشت براساس سرشماری سال ۸۵ زانی که سرپرست خانواده می‌باشد بالغ بر ۲/۴ میلیون نفر می‌باشند که ۲۱ درصد خانوارهای ایرانی را شامل می‌شود.

۳- نسبت محیط بیرونی با خانواده

خانواده، یک نهاد صرفاً درون‌گرا نیست و با نهادها و محیط‌های بیرونی خود در تعامل است و در عین تأثیرگذاری بر آنها، تأثیر بسیاری نیز می‌پذیرد. در اینجا به برخی از این ارتباطات می‌پردازیم:

(۳-۱) نهاد تعلیم و تربیت

دوازده سال از عمر خانواده در ارتباط دائمی و پرحجم با نهاد تعلیم و تربیت می‌گذرد. هر چه پیشتر رفته‌ایم نیز، این ارتباط، ابعاد وسیع‌تری یافته و تقریباً تمامی رفتارهای خانواده را متأثر از خود ساخته است.

اقتصاد خانواده بطور وسیعی درگیر با نظام تعلیم و تربیت است.

وقت‌گذاری برای زندگی تابع تعیین و تکلیف‌های مدرسه است.

خانواده باید وقت بسیاری را صرف خشی سازی تأثیرات غلط محیط و روابط درون مدرسه بر فرزندان نماید.

خانواده نقش آموزشی مکمل برای فرزندان دارد.

و بسیاری موارد دیگر که در جای خود باید به آنها پرداخت. پرسش اصلی این است که نظام تعلیم و تربیت در قبال این میزان بارگذاری بر دوش خانواده، چه سهمی در کاهش مشکلات و کمک به خانواده برای ایفای نقش خود دارد. خصوصاً این وضعیت در دوره راهنمایی و متوسطه پر رنگ تر است.

خانواده، از نظام تعلیم و تربیت انتظار دارد فرزندان با هویت دینی و ملی تربیت شوند. مؤدب به آداب اجتماعی باشند. اخلاق محور تربیت آنها باشد. جامعه پذیر و قانون‌گرا و مسئولیت‌پذیر تربیت شوند.

ولی هم مشاهدات و هم نتایج پژوهش‌ها بیانگر واقعیت دیگری است. امروز، خانواده باید افزون بر تأمین هزینه‌ها، نقش‌های بر زمین مانده نظام تعلیم و تربیت را نیز برعهده بگیرد و از آن بدتر آموزه‌های غلط در محیط مدرسه را نیز خشی کند.

(۳-۲) رسانه ملی

رسانه ملی در ترویج فرهنگ و ارزش‌ها نقشی بی‌بدیل دارد. این نقش به خوبی شناخته شده و برای آن تلاش می‌شود. رسانه ملی گام‌های مثبتی در موضوع خانواده برداشته است. لکن از دو منظر باید بیش از پیش به این رسالت دینی خود واقف گردد:

کمک به ترویج فرهنگ ازدواج، افزایش مهارت زندگی، تحکیم بنیان خانواده و کاهش رنج‌ها و آرامش‌بخشی به کانون خانواده

حفاظت از کانون خانواده با نفی نمایش یا گفتاری که اختلال در روابط خانواده ایجاد می‌کند.

(۳-۳) نهاد روحانیت

نهاد روحانیت، پدر معنوی جامعه است. این نهاد در ترویج فرهنگ ازدواج، مشاوره و آموزش؛ تحکیم بنیان خانواده و حل و فصل اختلافات خانوادگی از گذشته تاکنون نقش ممتازی داشته است.

این نقش نسبت به گذشته کم‌رنگ‌تر شده و هرچه به سمت شهرهای بزرگ و پرجمعیت حرکت می‌کنیم، این نقش در لابه لای جمعیت انبوه گم می‌شود. یکی از دلایل این کاستی، فاصله ای است که روحانیت از زندگی در محله و مسجد و در بین مردم گرفته است. اگر از کرسی ولایت و تصدی برخی مسئولیت‌ها در حکومت دینی بگذریم، هیچ نقشی برای روحانیت ممتاز تر از مربی‌گری، معلمی و ترویج فرهنگ دینی از پایگاه مسجد و در سایه زندگی در بین مردم وجود ندارد.

این نقش باید بازسازی شود. امروز نهاد خانواده به بازیگری این‌چنین در کنار خود نیاز مبرم دارد.

موارد فوق، تنها سه شاهد مثال برای بیان نسبت محیط بیرونی با خانواده است. همه ارکان و نهادهای اجتماعی و حاکمیتی باید نسبت خود را با خانواده تعیین کنند. ارکانی نظیر مقننه، قضائیه و نهادهای برنامه‌ریزی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... باید کارکردهای خود را متناسب با آرمانهای نظام در حوزه خانواده و جاری و ساری شدن این آرمانها از مجرای خانواده تنظیم کنند.

۴- تحلیل وضعیت خانواده در ایران

(۴-۱) بررسی اطلاعات و آمار

سالنامه آماری کشور در سال ۰۹، آمار تعداد خانوار در ایران را ۲۱/۱۸۵/۶۴۷۱ خانوار اعلام کرده است. استفاده از واژه خانوار که یک مفهوم «جمعیت‌شناسانه» است به جای خانواده این امکان را برای آمارگیری فراهم نموده تا ساکنین در یک محل سکونت اعم از یکنفره یا بیشتر و یا دارای پیمان زوجیت یا غیر آن را در سرجمع خانوار محاسبه نماید.

این موضوع با تعریفی که ما از خانواده داشته‌ایم فاصله دارد و با تعریفی که در برخی اسناد بین‌المللی وجود دارد نزدیک‌تر است. براساس تعریف ما، نهاد اجتماعی که با پیمان زوجیت آغاز می‌شود و حداقل با یکی از والدین و فرزندان ادامه یابد، خانواده نامیده می‌شود. لکن با قراردادن عنوان خانوار، کسانی که در مجرد به سر می‌برند و یا زندگی بدون پیمان زوجیت دارند نیز خانوار محسوب می‌گردند. این موضوع، موجب اختلال در جهت‌گیری برنامه‌های کشور می‌شود و ضروری است تا نقطه عزیمت آمار و برنامه‌های کشور در این زمینه از «خانوار» به «خانواده» اصلاح گردد. جداول و نمودارهای اطلاعات و آمار خانواده در بخش بعدی آمده است.

(۲-۴) تحلیل و جمع‌بندی

با شکل‌گیری بنیان‌های جدید اجتماعی، خانواده متأثر از مناسبات جدید، دچار تحول شده و از گسترده به هسته‌ای تغییر شکل داده است. خلاء و در بعض موارد بحران در کارکردها در شرایطی که به دلیل تحولات جهانی، دوره گذار توسعه و ضرورت‌های افزون بر گذشته در تاثیر خانواده بر حوزه تربیت، دین، اخلاق و هویت در تقابل با تهاجم فرهنگی، نقش بیشتری برای خانواده ایجاد کرده است و خانواده بیش از گذشته نیاز به حمایت، توانمندسازی و استحکام بخشی دارد.

براین اساس، اصلی‌ترین مولفه‌ها برای تحلیل وضعیت خانواده و سیاست‌ریزی بر پایه آن عبارتند از:

الف- خانواده، علاوه بر کارکردهای گذشته، دارای کارکردهای پیچیده جدیدی شده است. در عین حال متناسب با کارکردهای گسترده، توانایی‌ها، شرایط و حمایت‌های لازم برای شکل‌گیری، استواری و ایفای نقش خانواده، به وجود نیامده است.

ب- نقص نهادهای اجتماعی در ایفای نقش و خلاء کارکردی آنها، موجب شده است تا باری افزون بر توان خانواده بر دوش آن گذارده شود^۱ و از این بابت این نهادها به جای کمک به خانواده، مشکلات آن را بیشتر می‌کنند.

ج- نارسایی‌های بخش‌های زیربنایی، اقتصادی و آسیب‌های دوره گذار توسعه؛ خانواده را متأثر ساخته و در مواردی با بحران روبرو کرده است و خانواده که در شرایط جدید بار بیشتری را باید بر دوش کشد، ناچار در حد تأمین نیازهای اولیه مادی تنزل یافته است. در این بین زنان نیز ناچار شده‌اند در عرصه اقتصاد و معیشت خانواده فعال‌تر شوند و حضور آنان در زندگی کم‌رنگ‌تر و یا با تحمل مشقت فراوان برای ایفای نقش شده است. در مواردی نیز که مردان با کار مضاعف برای تأمین هزینه‌های زندگی تلاش می‌کنند و مادران در خانه مسئولیت‌ها را بر دوش می‌کشند شاهد تربیت زنانه پسران بدون الگو برداری از مردانگی پدران هستیم.

د- جهت‌گیری تربیتی و آموزشی خانواده، مدرسه، رسانه و نهادهای اجتماعی متناسب با فضای جدید برای آماده‌سازی فرزندان جهت تشکیل خانواده، همسریابی و همسررداری و زندگی زناشویی نبوده است و موجب شده تا نسلی به مقطع تشکیل خانواده نزدیک شود که مه‌ای آن نیست.

ه- شهرنشینی، الگوی همسریابی را تغییر داده، لکن الگوهای متناسب با وضع جدید طراحی و نهادینه نشده و جامعه جوان، همسریابی را در مجرای که جامعه بزرگسال آن را به رسمیت نمی‌شناسد جستجو می‌کند و این خود موجب بروز آسیب‌هایی در روابط نسل‌ها و چگونگی تشکیل و استمرار خانواده شده است.

و- افزایش سطح مطالبات زن و مرد از یکدیگر و ناتوانی طرفین در پاسخگویی به این مطالبات؛ مشکلات جدیدی برای خانواده به وجود آورده است. در خانواده‌های دارای فرزند این اختلال بین فرزندان و والدین نیز وجود دارد.

ز- خانواده، کانون تهاجم فرهنگی دشمنان، برای رسیدن به اهداف خود، است. از طرفی هیچ نهادی به اندازه خانواده، نمی‌تواند در تقابل با این تهاجم موفق باشد. همچنین سیاست‌های آموزشی، بهداشتی، اقتصادی، فرهنگی و ... کشور از مجرای خانواده به بهترین نحوی قابل اجراست و موجب کاهش هزینه‌های دولتی می‌شود.

پیشنهادها و راه‌کارها:

موضوع خانواده محور برنامه‌های توسعه و برنامه‌های اجرایی دستگاه‌ها قرار گیرد. این بدان معناست که برخلاف وضع موجود در برنامه‌های توسعه، اقتصاد در خدمت خانواده باشد. منظور از این پیشنهاد فراتر از اختصاص چند ماده یا تبصره در برنامه‌های توسعه نظیر آنچه تاکنون شاهد آن بوده‌ایم، می‌باشد.

پیشنهاد مصرح ما، اختصاص یک فصل جدید در برنامه تحت عنوان «خانواده» در عرض فصول دیگر است. افزون بر این در همه فصل‌های دیگر، موضوع خانواده معیار ارزیابی صحت و درستی هریک از مواد قرار گیرد و با آن سنجیده شود.

موضوع خانواده در وظایف اساسی همه دستگاه‌های اجرایی و نهادهای عمومی گنجانده شود و نسبت به آن ساختار و تشکیلات، منابع انسانی، بودجه و اعتبارات و برنامه‌های اجرایی تنظیم گردد.

اجرائی نمودن آموزه‌ها و توصیه‌های دینی و نشر سیره عملی، از معصومین (ع) تا عالمان متاله عصر حاضر نظیر حضرت امام خمینی (ره)، رهبر معظم انقلاب، علامه طباطبایی (ره)، شهید مطهری (ره)، شهید بهشتی (ره)

از اظهارنظرها و توصیه‌های بدون پشتوانه نظری و جامعیت جداً باید پرهیز شود.

«مشاوره» ازدواج قبل، حین و پس از ازدواج ساماندهی گردد.

برای ثبت «مهریه عندالمطالبه» به هر میزان که بین طرفین تعیین شود «پشتوانه مالی و تضمین حقوقی» به وجود آید.

رفع دغدغه خانواده درباره هزینه‌های درمان و آموزش و اشتغال، مسکن و ازدواج فرزندان در آینده باید در برنامه‌های اقتصادی یک اولویت مستمر باشد. طراحی شاخص‌هایی نظیر تفریح و اوقات فراغت، مراقبت‌ها و پیشگیری‌های سلامت، فرهنگ، ورزش یک ضرورت است.

ایجاد فضای امید و آرامش و نشاط همراه با آرایه الگوهای صحیح چگونه زیستن و روابط و مناسبات خانوادگی و پرهیز از نمایش یا گفتاری که به نحوی موجب اختلال در روابط خانواده می‌شود در رسانه ملی.

طراحی الگوهایی برای ازدواج آسان با نظارت خانواده‌ها خصوصاً در کلان‌شهرها می‌تواند در وظایف دستگاه‌های فرهنگی دیده شود.

بازتعریف الگوی «خانواده، محله زندگی، مسجد» نه تنها برای موضوع خانواده بلکه برای حفظ و ارتقای هویت اسلامی و ملی جامعه از ضرورت‌های انکارناپذیر است.

حمایت همه‌جانبه از زنان خودسرپرست و سرپرست خانواده، یکی از ضرورت‌ها در سیاستگذاری هاست.

الگو سازی برای مراقبت از «کهنسالان» با توجه به شرایط جسمی، روحی و سنی آنان